



چشم انداز اعتصابات کارگران و موانعی که باید از پیش پا برداشته شوند

اعتصابات کارگران پروژه ای صنایع نفت و پتروشیمی و پالایشگاه های سرتاسر کشور در حالی وارد هفته پنجم خود میشود که هنوز کارفرماها و دولت نتوانسته اند مثل گذشته با توسل به فریب و سرکوب اعتصابیون را مرعوب و ترس خورده به سرکارهایشان بازگردانند . هرروز که میگذرد صدای کارگران و مطالبات شان در میان اکثریت توده های زحمتکش جامعه پژواک بیشتری مییابد و از طرف سایر کارگران و اقشارمختلف مردم مورد حمایت و پشتیبانی قرار میگیرد و علاوه بر آن اعتصاب کارگران صنایع نفت در سطح بین المللی نیز انعکاسی درخور یافته و حمایت بسیاری از تشکلهای کارگری در جهان را جلب نموده است و اکنون همه چشم ها و گوشها متوجه فراز و فرود نتیجه این اعتصابات است . آیا این اعتصابات در تداوم خود میتواند رژیم و طبقه حاکم را عقب رانده و اعتراضات عمومی و اعتصابات کارگری را از چرخه مبارزات تدافعی و اعتراض- سرکوب و فریب و از همه مهمتر پراکندگی رها کرده و چشم انداز نوینی در مبارزه برای رهائی از دیو استبداد و خودکامگی و ستم و استثمار بگشاید؟ این مقاله در پی جواب قطعی به این سؤال نیست اما نگاهی مختصر به موقعیت کارگران اعتصابی در صنعت نفت ، سطح مطالبات و سازمانیافتگی و ضرورت های تداوم پیروزمندانانه این مبارزات شاید بتواند روزنه کوچکی برای پاسخی اصولی به سؤال فوق بگشاید.

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

خیزش تشنگان بخون کشیده شد!!!

صفحه ۱۲

موج جدید خیزش تشنگان و گرسنگان خلق عرب در اکثر شهر های استان خوزستان از جمله سوسنگرد، حمیدیه، بستان، اهواز، آبادان، خرمشهر و ماهشهر و ... در جریان است . دامنه اعتراض و تظاهرات توده های ستمدیده در استان خوزستان به سومین روز خود کشیده شد، با این وجود کارگزاران رژیم از جمله قاسم سلیمانی دشتکی، استاندار رژیم در خوزستان ابتدا با انکار هرگونه اعتراض و تجمعی مدعی شد که : " برخی به دنبال تحریک مردم هستند و تصاویری جعلی از اعتراضات مردم در فضای مجازی منتشر می کنند مثلا در شهرهای خرمشهر و سوسنگرد اتفاق و اعتراضی رخ نداده است." و در تلویزیون رژیم مدعی است که " کارهای بزرگی " در این استان برای رفع مشکل کم آبی صورت گرفته است ادعای که خود مجری برنامه را هم وادار به واکنش کرد.

ادامه در صفحه ۶

اهمیت اعتصاب در مبارزات کارگران

اعتصاب کارگری محصول تصادمات طبقاتی میان کار و سرمایه و بیان حرکت متحد طبقه کارگر علیه ستم و استثمار است و از ماهیت نظام سرمایه داری ناشی میگردد. زیرا مناسبات سرمایه داری، مبارزه طبقه کارگر را علیه بورژوازی امری ناگزیر می سازد و تحت شرایطی که سایر اشکال مبارزه به نتیجه نرسد اعتصاب بعنوان شکل موثر مبارزه از سوی کارگران بکار گرفته میشود و کارگران برای تحقق مطالبات شان دست از کار میکشند و تولید را برای مدتی متوقف می سازند. کارگران با توقف تولید، استثمار را که ضرورت بقا و ادامه حیات نظام سرمایه داری است دچار اختلال می سازند. اختلال در انباشت سرمایه، خودبخود تمامی بخشهای نظام سرمایه داری را

ادامه در صفحه ۸

مناسبت چهل و پنجمین سالگرد

جانباختن شهدای ۸ تیر ۱۳۵۵

صفحه ۱۵

"انا عطشان حق لیس رصاصه"



من تشنه ام حقم کلوئه نیست

از اعتراضات مردم در فضای مجازی منتشر می کنند مثلا در شهرهای خرمشهر و سوسنگرد اتفاق و اعتراضی رخ نداده است." و در تلویزیون رژیم مدعی است که " کارهای بزرگی " در این استان برای رفع مشکل کم آبی صورت گرفته است ادعای که خود مجری برنامه را هم وادار به واکنش کرد.

در کوبا چه خبر است؟

صفحه ۱۰

راز تاریخ محصولات آرایشی ارتباط آن با کار کودکان در معادن مایکا

یکی از بخشهای ضروری در چرخه سودآوری و ثروت اندوزی سرمایه داری بکار کشیدن کودکان است که نه تنها در کشاورزی بلکه در صنایع جدیدی- که از قرن هفدهم تاکنون همواره در حال تکثیر شدن بوده است- در نهان و آشکار به استثمار کشیده شده اند.

در طی این چند سده جنبشهای فراوانی در دفاع از حقوق کودکان بوجود آمده اند و در مسیر مبارزه برای دستیابی به حقوق انسانی کودکان به دستاوردهایی هم رسیده اند یکی از این دستاوردها مصوبه ۱۹۷۳ سازمان بین المللی کار است که سن پانزده سالگی را بعنوان حداقل سن عادی برای استخدام تعیین کرده است. نه تنها عملی شدن این قانون به واقعیت نزدیک نشده بلکه در کشورهای جنوب، ...

ادامه در صفحه ۹

پاسخ به چند پرسش

درباره اعتصاب صفحه ۱۳



تولیدی

چشم انداز اعتصابات کارگران و موانعی که باید از پیش پا برداشته شوند

ادامه از صفحه یک

اعتصابات اخیر کارگران پروژه ای در صنایع نفت "رعدی در آسمان بی ابر" نبرد

آغاز اعتصاب امسال توسط کارگران پروژه ای "شرکت فراب" نیروگاه بیدخون با درخواست ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی کلید زده شد که بعد ها این مطالبه به به طرح "بیست ده" معروف شد و آنها اعلام کردند که تا وقتیکه خواست شان متحقق نشود به سرکار باز نخواهند گشت. اما این اعتصاب بدلیل طرح مطالبه ای که منافع و خواست عموم کارگران پروژه ای صنایع نفت و گاز را مطرح میکرد بلا فاصله به سایر بخشها و واحد های صنایع نفت و گاز و پتروشیمیهای سراسر کشور سرایت کرد. این اعتصاب که بزرگترین اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای نفت و گاز در چهل سال اخیر محسوب میشود تحت عنوان "کمپین ۱۴۰۰" و طرح "بیست ده" از طریق ارتباطات سنتی و رشته ای و نیز شبکه های اجتماعی به شکل گسترده ای پیگیری شدند.

شخصی و آشنائیهای صنفی و به کمک گروه های مختلف درمیدای اجتماعی اعتصابات گسترش یافت و اهداف و مطالبات آن شکل عمومی تری بخود گرفت و تا کنون که نزدیک به چهار هفته از آغاز اعتصابات میگذرد هرچند بخشهایی از کارگران توانسته اند به برخی از خواست ها و مطالبات شان دست یابند اما اعتصابات کماکان ادامه دارد و به جز تلاشهای اندک پنهان و آشکار دولت و ارگانهای سرکوب هنوز نظاره گرواوضاع هستند گوئی این اعتصابات هنوز نتوانسته است در تولید و توزیع نفت و مشتقات آن چنان تاثیر بگذارد که حاکمیت را مجبور به اتخاذ تصمیم بنماید این انتظار که موقعیت کارگران پیمانکاری پروژه ای صنایع نفت و مشتقات آن ممکن است به تفرقه و پراکندگی و نا کارائی این جنبش اعتصابی بیانجامد نیز صورت واقعیت بخود نگرفته است هرچند که اینجا و آنجا شاهد بروز اختلافات و جداسری ها هستیم.

موقعیت کارگران پروژه ای و مطالبات آنها

طبق آمارهایی که توسط کارشناسان و فعالین کارگری ارائه شده است. در صنایع نفت

کارگران پیمانکاریها علی العموم و در اینجا کارگران پروژه ای شاغل در پیمانکاریهای صنایع نفت و گاز و پالایشگاه ها بخاطر شدت استثمار نداشتن تضمین شغلی و ایمنی و بهداشت محیط کار و سطح نازل دستمزدها نسبت به زمان کار و تخصص نیروی کار همواره یکی از بخشهای معترض کارگری بوده است. چنانچه هم در دوران رژیم سلطنتی بویژه در مقطع قیام ۵۷ و چه بعد از آن شاهد اعتصابات و اعتراضات متعددی در این مراکز کارگری بودیم و آخرین مورد اعتصاب بیش از ده هزار کارگر پروژه ای در سال ۹۹ بود که رژیم با سرکوب و وعده وعید جلوی گسترش آنرا گرفت اما همزمان با ادامه تشدید استثمار افزایش قیمت مایحتاج اولیه و تعرضات بیشتر صاحبان پیمانکاریها و دولت برمشکلات قبلی کارگران افزوده شد و از همه اینها گذشته گسترش اعتراضات عمومی بعد از خیزشهای سالهای ۹۶ و ۹۷ و نیز مقابله اکثریت مردم زحمتکش با مضحکه انتخاباتی رژیم در خردادماه زمینه لازم برای گسترش اعتصابات و سراسری شدن آن را فراهم کرد و در پی فراخوان "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و گاز" و سایر گروه ها و محافل کارگری از طریق روابط

ومشتقات آن حدود ۶۴ هزار نیروی رسمی، ۸۵ هزار نیروی کار قرارداد معین، ۱۲۰ هزار نیروی پیمانکاری پروژه ای و مستمر مشغول بکار هستند.

آمار فوق بیانگر آن است که اکثریت کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمیها بصورت قرارداد موقت کار میکنند اما این قراردادها هم به چند قسمت عمده تقسیم میشوند. کارگرانیکه در پیمانکاریهای "مستمر" کار میکنند. هرچند نیروی ثابت مثلا بخش تعمیرات و نگهداری هستند اما با اتمام قرارداد پیمانکار قبلی با شرکت نفت، بار دیگر این بار با قرارداد موقت دیگری به استخدام پیمانکار جدید درمیایند.

عده ای دیگر کارگران "فصلی" هستند که در زمان تعمیرات بصورت موقت با شرایطی بمراتب سخت تر و با دستمزدی پائینتر بکار گرفته میشوند. کارگران "حجمی" بخش دیگر کارگران پیمانکاریها را دربرمیگیرد که در کارهای ساختمانی و خدماتی مشغول به کار هستند.

دستمزدها بسیار متفاوت هستند از دومیلیون پانصد هزار تا بیست میلیون و به بالا را شامل میشود و مزایا نیز بهمین ترتیب بین کارگران رسمی و پیمانی و کارگران متخصص تا ساده اختلاف درآمد و مزایای فاهشی وجود دارد و یا درباره طبقه بندی مشاغل که براساس میزان، تخصص و تجربه رده های مختلف شغلی را بیان میکند که براساس آن حقوق و مزایائی در نظر گرفته میشود که انبوه کارگران پیمانکاریها بدلائیل مختلف از جمله قرار گرفتن محل کار در مناطق ویژه اقتصادی از قوانین جاری محروم و طبقه بندی مشاغل نیز شامل حال آنها نمیشود و در این مناطق کارفرماها حتی از افزایش سالانه حداقل دستمزدها هم طفره میروند و علاوه بر اینها پیمانکارها علاوه بر کسب سود از طریق تشدید استثمار و ربودن ارزش اضافی، با استفاده از قوانین موجود حمایت دولتی

بخشی از دستمزد دریافتی از کارفرمای اصلی را نیز به جیب میزنند. بطور مثال اگر به ازای هر روز کاری کارگر یک میلیون قرارداد بسته واز کارفرمای اصلی میگیرند، گاه حتی یک سوم آنرا نیز به کارگر پرداخت نمیکنند. در واقع کارگران پیمانکاریها از جمله صنایع نفت و گاز و پتروشیمی با استثمار و فشار اقتصادی مضاعفی روبرو هستند که در پی مقررات زدائی از کار این فشارهای اقتصادی و بی حقوقی صد چندان افزایش یافته و زمینه نارضایتی های عمومی و اعتصابات گسترده اخیر را در پی داشته است.

خواستها و مطالبات

آنچه که در بالا بطور خلاصه ذکر شد نشان میدهد که خواستهائی نظیر افزایش دستمزد، رده بندی براساس طبقه بندی مشاغل، همسانسازی دستمزدها برای برداشتن و یا کم کردن فاصله دستمزد و مزایای رسمی ها و پیمانیها، و در نهایت حذف شرکتهای پیمانی و تبدیل شدن قراردادهای موقت به قراردادهای دائمی و رسمی و برخورداری از بهداشت و ایمنی محیط، کار، تضمین شغلی، بیمه های اجتماعی و دیگر مزایا از جمله خواستها و مطالبات کارگران اعتصابی را تشکیل میدهد.

در مقطع کنونی داده های موجود عمده مطالبات کارگران رده های مختلف صنایع نفت را بگونه زیر بیان میکند.

خواست بیش از ۸۵ هزار کارگر رسمی اجرای ماده ۱۰ قانون وظائف و اختیارات وزارت نفت است که برطبق آن کارگران رسمی مشاغل تخصصی و مناطق عملیاتی از قانون مدیریت خدمات دولتی حذف میشوند. براساس این قانون که در اردیبهشت ماه تصویب شده است باید حقوق تیرماه این کارگران ترمیم و مطالبات آنها تحقق یابد. کارگران نسبت به

نحوه تعیین سقف افزایش حقوق اضافه کردن مالیات و غیره اعتراض دارند.

کارگران قرارداد موقت

۳۴ هزار کارگر قرارداد موقت خواهان همسانسازی دستمزدها و خارج شدن از استخدام پیمانی به رسمی هستند.

کارگران قرارداد معین

بیش از ۸۵ هزار کارگر قرارداد معین نیز خواهان همسانسازی دستمزدها با زنگری در حقوقها، دریافت فوقالعاده شغلی، مطابق ماده ۳۸ نظام اداری شرکت نفت تبدیل وضعیت موقت کارکنان و رهائی از بلاتکلیفی بین قانون استخدامی نفت و وزارت کار هستند.

پیمانکاریهای با مشاغل مستمر

تخمینا بیش از ۱۱۰ هزار کارگر شرکتهای پیمانکاری تابعه نفت با مشاغل مستمر در اعتراض به تفاوت زیاد حقوق و مزایای خود با همکاران رسمی خود خواهان حذف شرکتهای پیمانکار واسطه ای و عقد قرارداد مستقیم با وزارت نفت هستند و از جمله خواهان اجرای طبقه بندی مشاغل تغییر ۱۴ روز کار ۷ روز استراحت به ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت هستند.

علاوه بر اینها وضعیت کارگران قرار دادی مناطق ویژه اقتصادی است که پیمانکارها تحت حمایت قوانین ویژه این مناطق کارگران را همچون دوران برده داری مورد استثمار شدید قرار میدهند و در کشیدن شیر جان آنها به هیچ قاعده و قانونی پایبند نیستند.

کرده است و قدرت طبقاتی کارگران را به توده مردم تحت ستم واستثمار و زور و سرکوب بیش از پیش می‌شناساند. تردیدی نیست که اشکالی از سازماندهی اطلاع رسانی و تلاش رهبران عملی بر زمینه فشار اقتصادی زاید الوصف به کارگران که آنها را به صحنه اعتراضات و اعتصابات کشانده است، وجود دارد که این اعتصابات را از دایره یک واحد بدر آورده و به یک اعتصاب تا حدودی سراسری در حوزه کارگران پروژه تبدیل کرده است و علاوه بر آن در این مدت کوتاه بخشهایی از کارگران نیز سطح آگاهی شان افزایش یافته است و به ضرورت تشکیل پی برده و با تشکیل مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان تلاش میکنند بصورت سازمانیافته و متحد در مقابل کارفرماها ظاهر شوند و اینها دستاورد های تکنونی این اعتصاب سراسری بوده است که تاکنون با ابتکارات خودکارگران واز طریق سنت دوستی و یا ارتباطات فامیلی و آشنائی ها وروابط گسترده اجتماعی که کارگران پروژه ای بدلیل موقت بودن قرارداد ها و تعویض مرتب محل کار از آن برخوردارند و به کمک مدیای اجتماعی تداوم این اعتصاب امکان پذیر شده است .

چشم انداز اعتصابات کارگران و موانعی که باید از پیش پا برداشته شوند

پیوسته اند اراده نشده است و همینطور جمعبندی معینی از تاثیر این اعتصابات در عرصه اقتصادی و سیاسی ناشی از توقف احتمالی تولید و توزیع فرآورده های وابسته به کار این بخش از کارگران در دسترس نمیباشد. اما آنچه که تاکنون از طریق "شورای سازماندهی اعتراضات صنعت نفت" و سایر نهادها اعلام شده است در برخی از پیمانکاریها کارگران توانسته اند به بخشی از مطالباتشان دست یابند و در موارد دیگری اعتصابات ادامه دارد و مورد حمایت و پشتیبانی تشکلهای و نهاد های مختلف کارگری و غیره نیز قرار گرفته اند. علاوه بر آن تداوم اعتصاب و طرح مطالباتی برای بسیاری از کارگران و سایر مزدبگیران شمولیت مییابد. در شرایط بحرانی جامعه و افزایش شکاف طبقاتی و نفرت عموم از طبقه حاکم ، طبقه کارگر را در صحنه مبارزات عمومی برای آزادی و عدالت به نقطه اتکاء و امید تبدیل

بر اساس مطالبات فوق اکنون مجموعه مطالباتی از طرف "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت" و سایر گروه های کارگری و از جمله کارگران اعتصابی پیمانکاریهای پروژه ای مطرح شده است نظیر افزایش حد اقل دستمزد به ۱۲ میلیون تومان ، تغییر نوبت کاری به ۲۰ روزکار ۱۰ روزاستراحت، افزایش دستمزدها و پرداخت باموقع آن، حذف پیمانکاریها در صنعت نفت ، عقد قرارداد های رسمی و مستقیم با وزارت نفت، ممنوعیت اخراج و بازگشت اخراجی ها به کار، رعایت استانداردهای محیط زیست و تامین ایمنی و بهداشت محیط کار، پایان دادن به امنیتی کردن محیط کار و آزادی تشکل مستقل و آزادی تجمع و اعتراض و اعتصاب از جمله آنها است که امروزه به خواست اکثریت کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است . خواستهها و مطالباتی که نه فقط صنفی و اقتصادی بلکه در عین حال خواستههایی سیاسی است که تحقق آنها مستلزم تغییرات عمیق اقتصادی و سیاسی در جامعه است .

آگاهی و تشکل یابی کارگران اعتصابی

فقدان تشکل و حزب و آزادیهای سیاسی از یک طرف و پراکندگی جغرافیائی کارگران پیمانکاریهای شرکت نفت و نیز سطوح مختلف حقوق و مزایا و درخواست ها و مطالباتی که تاکنون رسانه ای شده است امکان بررسی سطح آگاهی طبقاتی و جهتگیری سیاسی این بخش از کارگران را دشوار مینماید. هنوز بطور دقیق هیچ آمار واقعی از تعداد کارگرانی که به اعتصابات اخیر

برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی. متحد شویم.

مقابله با نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر آن ، پایان دادن به پراکندگی مبارزات، و گرد آمدن گردانهای کار و زحمت در یک جبهه انقلابی بمنظور گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم و استقرار ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها رابه امری فوری و ضروری تبدیل کرده است. امروزه خواست ها و مطالبات اقتصادی ورفاهی طبقه کارگر و توده های رنج دیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادیخواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت گسترده و متحد در اعتراضات ، اعتصابات ، و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه بر علیه ستم و استثمار و سرکوب و نیز آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی یک وظیفه تعطیل ناپذیر هر انسان آزادیخواه و انقلابی محسوب میگردد.

اما نباید فراموش کرد که هنوز تا متشکل شدن کارگران در تشکلهای توده ای و یا حزبی که لازم تداوم مبارزه اقتصادی و ارتقاء آن به مبارزه سیاسی و کسب پیروزی در میدانهای متنوع نبرد طبقاتی است راه درازی در پیش است. و نیز تا ارتقاء سطح آگاهی کارگران بمثابه طبقه ای برای خود و نیز کسب آگاهی سوسیالیستی بمنظور رهبری مبارزات، برقراری شوراها و سرنگونی بورژوازی و کسب قدرت سیاسی هم راه درازتری در پیش است.

فراموش نکنیم که مبارزه اقتصادی کارگران در شرایط وجود دیکتاتوری و استبداد هر چند بلافاصله به مبارزه سیاسی ارتقاء مییابد و مخصوصا در شرایط فعلی در ایران هیچ دیوارچینی این دو را از هم جدا نمیکند، معهدا مبارزات گسترده کارگران ایران که پهنه اجتماع را درنور دیده است هنوز از دایره مبارزه اقتصادی در اشل کلی آن فراتر نرفته است و اعتصابات آنها از جمله اعتصابات گسترده اخیر کارگران پروژه ای صنعت نفت به اعتصاب سیاسی گذرنکرده است. در حالیکه زمینه های عینی چنین فرارفتی فراهم است اما هنوز زمینه های ذهنی آن فراهم نشده است.

مبارزه سیاسی پرلتاریا در راستای سرنگونی بورژوازی و محو مناسبات سرمایه داری و برای در دست گرفتن قدرت سیاسی و گذار به سوسیالیسم انجام میگیرد. طبقه کارگراز طریق مبارزه اقتصادی که مداوما جریان دارد تلاش میکند تا وضعیت زندگی خود را در چهارچوب مناسبات سرمایه داری بهبود بخشد و در این راستا بطور طبیعی به عرصه های سیاسی نظیر کسب آزادیهای سیاسی، حق تشکل و تصویب قوانین و مقرراتی به نفع ارتقای سطح معیشت خود دست میزند ولی تامین منافع اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر بمنظور رهایی از استثمار تنها با سرنگونی قدرت سیاسی طبقه

سرمایه دار و برقراری قدرت سیاسی طبقه کارگر و گذار به سوسیالیسم که سیستم اقتصادی اجتماعی بکلی متفاوت با سیستم سرمایه داری است، امکانپذیر میگردد. در این راه است که مبارزه سیاسی طبقه کارگر معنی پیدا میکند و برای رسیدن به این هدف از اعتصابات سیاسی و تظاهرات و دموستراسیون، مبارزه مسلحانه و غیره استفاده میکند و همه این فعالیت ها بصورت آگاهانه سازمان یافته با هدف تدارک انقلاب اجتماعی و گذار به سوسیالیسم صورت میگیرد.

روشن است که طبقه کارگر در این نبرد طبقاتی و برای طی پیروزمندانه چنین مسیری به حزب انقلابی خود نیاز دارد که بتواند از لحاظ نظری و عملی این مبارزه مرگ و زندگی را رهبری کرده و به سرانجام پیروزمنداش برساند.

وظیفه نیروهای پیشرو و کمونیست در شرایط کنونی

اعتصابات گسترده کارگری و اعتراضات عمومی زحمتکشان بی شک زمینه های مساعدی برای پیشگامان جنبش کارگری و سوسیالیستی فراهم نموده است تا بتوانند بر این زمینه با کار بست مبارزه مخفی و علنی و نیز تلفیق این دو به نقطه ضعف ذکر شده در بالا یعنی فقدان عنصر ذهنی و تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری موجود فائق بیایند.

کارگران در مکتب اعتصابات هر روز پخته تر و آزموده تر میگردند هم اکنون با تداوم اعتصابات کارگران پروژه ای پیمانکاریها شاهد تلاش کارگران برای متشکل شدن حول خواستها و مطالبات مشترک هستیم که سعی میکنند با تجمع و بحث و تصمیم جمعی به مصاف کارفرماها بروند اینک در این

روند بتوانند به امر تشکل یابی مستقل توده ای خود مادیت بخشند هنوز روشن نیست و تحقق این امر به پارمترهای زیادی مربوط است از جمله حمایتهای قطعی و عملی همه کارگران صنایع نفت و همزمان عروج جنبش های اجتماعی در سرتاسر کشور و غیره.

اما پیشگام کارگری و سازمانها و فعالین کمونیست در شرایط کنونی بجای دنباله روی از جنبشهای خود بخودی و گرفتار شدن در انتزاعیات و شعارهایی که در میدان عمل هیچ دردی را دوا نمیکند میباید ضمن حمایت از کارگران اعتصابی و کمک به سازمانیابی آنها و امر تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دموکراتیک که کار روتین و همیشگی آنها است باید تلاش بکنند با سازماندهی هسته های سرخ بمثابه سنگ بنای حزب پرلتری در درون مراکز مهم کارگری، محلات و غیره به حضور عملی و ارگانیک خود در جنبش جاری کارگری مادیت بخشند و از طریق اتحاد عمل در کمیته های کارخانه و محلات در مبارزات جاری حضوری موثر داشته باشند. بدون حضور عملی در مبارزات جاری کسب اعتماد متقابل توده و پیشرو و در نتیجه ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی و سازمانیابی طبقه کارگر ناممکن است و در ثانی تلاش کنند متحدین طبقه کارگر را که وضعیت بحرانی کنونی آنها را به میدان مبارزه علیه طبقه حاکم کشانده است، زیر چتر جبهه ای انقلابی متحد کرده و به مبارزات پراکنده و بدون هدف درازمدت آنها پایان دهد، تا توازن قوا در میدان مبارزه به نفع طبقه کارگر و محرومان جامعه چه بلحاظ کمی و چه بلحاظ کیفی تغییر یابد و چشم انداز پیروزی بر ارتجاع حاکم و پایان دادن به ستم و استثمار و زور و سرکوب را در افق جنبش کارگران و محرومان جامعه بگشاید.

یدی شیشوانی تیر ۱۴۰۰



سالار - ۳

“انا عطشان حق لیس ر صاصه من تشنه ام حقم گلوله نیست

قرار دارد، اما زمانی این مشکل در ایران با سیاست ها و طرح های غارتگرانه و ارتجاعی رژیم و وابستگی توأمان میشود، مشکلات را برای توده های کار و زحمت و فرودست جامعه صد چندان میکند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با طرح های اقتصادی و سیاسی اش، با آلوده کردن و خشکاندن سیستماتیک هورالعظیم بمنظور دست یافتن راحت تر به ذخایر نفتی موجود، کشتار دام ها و ماهی ها، بی تفاوتی در برابر معضل ریزگردها، اجرای پروژه های خانمان برانداز احداث سد و انتقال و تاراج آب رودخانه های استان، کار و معیشت و زیستگاه زحمتکشان را به نابودی کشانده. در واقع اعتراضات جاری خلق عرب نه تنها به بحران آب بلکه انعکاس ۴۳ سال محرومیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، انعکاس نارضایتی توده های تحت ستم و استثمار است که ۴۳ سال زیر پای سنگین ارتجاع سیاه مذهبی و سرمایه داری غارتگر و جنگ طلب سرکوب شده است.

اما آنچه که به بحران آب در خوزستان برمیگردد در واقع موضوع جدید این یکی دو سال اخیر نیست و به زمان “ سردار سازندگی ” رفسنجانی و پایان جنگ باز میگردد. در آن زمان رژیم چندین پروژه و طرح بمنظور شاغل کردن بخشی از نیروهای سپاه در پروژه های بزرگ را در دستور کار دولت قرار

غارتگرانه و ساختن سدهایی بدون در نظر گرفتن تبعات زیست محیطی، این استان را تبدیل بی یکی از مناطق خشک و بی آب کرده است بطوریکه زیست بوم منطقه را نابود و بحران آب یعنی نبود و یا شوری چند برابر آب مردم منطقه را با مشکلات بیشماری مواجه کرده است. چندین سال است که ریزگردهای ناشی از خشک شدن تالاب های منطقه مشکلات عدیده ای را برای ساکنین منطقه بوجود آورده و دیگر نه تنها برای کشاورزی، حتی آب آشامیدنی سالم و قابل شرب هم برای مردم فرودست باقی نمانده است.

سالیان متمادی است که رژیم با تحریف و دروغ و تبلیغات بسیار تلاش میکند که مشکل بی آبی را طبیعی و به تغییرات اقلیمی و مصرف بیش از حد آب توسط مردم و یک مشکل جهانی جلوه بدهد بطور مثال رئیس سازمان محیط زیست خوزستان خشک شدن تالاب هورالعظیم را مساله ای طبیعی اعلام می کند!

با درک این واقعیت که در سایه سیستم سرمایه داری تغییرات اقلیمی و آب وهوا مشکلاتی را در سایر کشورها نیز بوجود آورده (نمونه همین سیل چند روز پیش در کشور آلمان چندین کشته و مصدوم بجای گذاشت) کره زمین به دلیل حرص و ولع سیرنپذیری سیستم سرمایه داری در آستانه یک فاجعه

ادامه از صفحه یک
چهل و دو سال حاکمیت جهل و خرافه و سرکوب امروز برای طبقه فرو دست جامعه و فرزندان شان چنان وضعیت اسفناکی را بوجود آورده است، که دیگر پاسخ اعتراض به بی آبی هم گلوله است، مزدوران رژیم متشکل در گله های نیروی انتظامی و گارد ویژه با گاز اشک آور و شلیک مستقیم بسوی مردم تشنه آب و آزادی که برای داشتن یک حق ابتدایی شان به خیابان آمده اند تا بلکه صدای اعتراضشان شنیده شود، تا روز یکشنبه ۲۷ تیر، سه تن از معترضان را بقتل رسانده اند و برگ سیاه دیگری بر کارنامه پر از قتل و جنایت خویش و سردمداران فاسدشان افزودند.

در حال حاضر رژیم اینترنت را در این استان مختل کرده است تا بدین وسیله با فراق بال به سرکوب توده های معترض و دستگیری و کشتار خلق عرب دست بزند.

استان خوزستان از لحاظ جغرافیایی و بدلیل اینکه روی جلگه خوزستان واقعه شده است جزو یکی از حاصل خیزترین و پر آب ترین مناطق ایران و مسیر چند رودخانه خروشان بشمارمی آمد، اما چندین سال است که به دلیل سیاست ها و طرح های حکومتی به منظور تاراج آب این منطقه با اهداف

شهرهای کشور در اعتراض و اعتصاب هستند و در چند هفته گذشته نیز، کارگران پیمانکاری بیش از ۱۰۰ واحد از شرکت های وابسته به صنایع نفت و پتروشیمی ایران در اعتراض به وضعیت شرایط محیط کار، دستمزد و معیشت خود در یک اعتصاب سراسری بسر میبرند و هر زوره جمعی بیشتری از کارگران به این اعتصابات می پیوندند.

تردیدی وجود ندارد که رژیم جمهوری اسلامی قادر به برون رفت از بحرانهای فزاینده ای که گریبانش را گرفته نیست و در آینده ای که ظاهراً دور هم نیست، کارگران و زحمتکشان و توده های مردم تحت ستم و استثمار به پا خاسته این رژیم ارتجاعی را با تمام جانورهای ریز و درشتش به زباله دان تاریخ خواهند سپارد. اما در این میان به توجیه به تجارب گذشته طبقه کارگر در تمامی کشورها از مصر و تونس و لیبی گرفته تا ایران و عراق و ... خطری که همچنان و شدیداً احساس میشود فقدان تشکل و تحزب طبقه کارگر و فقدان یک بدیل سوسیالیستی است.

سالار - ح

۲۸ تیر ۱۴۰۰

آبفا، خطاب به صمدی، مدیرعامل آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری، نوشته می‌شود. در این نامه ذکر شده است که در راستای اجرائی کردن مصوبه ۲۲۰۶۷،۱۰۰ به تاریخ چهارم شهریور سال ۸۱ به‌عنوان مؤسسه عمران رفسنجان و با توجه به مصوبه ۳۹۶ جلسه کمیته تخصیص آب، سالانه ۳۴۲،۲ میلیون مترمکعب آب با متوسط تأمین ۲۵۲،۱ میلیون مترمکعب آب از سد مخزنی ونک-سولگان در استان چهارمحال و بختیاری به دشت خان‌میرزا و حوضه آبریز کویر در دره‌انجیر استان کرمان منتقل شود. □ در این پروژه نیز شرکت مه‌اب قدس به‌عنوان مشاور و شرکت عمران رفسنجان به‌عنوان کارفرما نقش ایفا می‌کنند.

این موارد ذکر شده بقول معروف نمونه ای از خرواری است که سرمایه داری در کلیت اش و جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت خزیدنش برای توده های فرودست جامعه به ارمان آورده است. آنچه اکنون حائز اهمیت می باشد این است که جامعه ایران در یک شرایط بحرانی بسر میبرد و آبستن تغییر و تحولات است، اقشار مختلف جامعه از کارگران و زحمتکشان گرفته تا دانش اموزان و مال باختگان همگی در کف خیابان اکثر

داد و در همین راستا پرونده ی پروژه های را که در دوران ستم شاهی که به دلیل قیام ضد سلطنتی ۵۷ به مرحله اجرا نرسیدند از میان قفسه ها بیرون کشیدند .

یکی از بزرگ ترین و پرهزینه ترین طرح ها، پروژه ساخت سد گتوند بروی رودخانه کارون بود. به جزئیات این طرح که قبل از قیام ۵۷، شاه در فکر ساختنش بود وارد نمی‌شویم . سد گتوند با اعتباری در حدود هفت هزار میلیارد تومان ساخته و " غم خوار و خادم ملت " محمود احمدی نژاد در اردیبهشت ۱۳۹۲ آنرا افتتاح کرد. این سد با این هزینه هنگفت از درآمد های عمومی عنوان بزرگترین فاجعه زیست محیطی نه تنها ایران بلکه منطقه و جهان را دارد. دلیل این امر وجود تپه نمکی به نام گچساران در امتداد مخزن این سد بود، توده نمک عنبل با ذخیره نمکی بیشتر از ۱۰۰ میلیون تن بطور چشمگیری آب رها شده از سد گتوند را چندین برابر شورتر از پیش کرد و به موجب این شوری آب، کشاورزی منطقه را نابود کرد. کارفرمای این به اصطلاح " افتخار ملی " رژیم ، شرکت توسعه منابع آب و نیروی کشور بود که مشاوره این پروژه را به شرکت مهندسی مشاور مه‌اب قدس (وابسته به مافیای آستان قدس رضوی) و احداث آن را به گروه سپاسد (وابسته به قرارگاه خاتم الانبیا سپاه) واگذار کرد.

طرح دیگر انتقال سرشاخه های آب کارون به دشت رفسنجان بود بمنظور آبیاری باغات پسته. این پروژه سالها به دلیل رقابت بین جناح های رژیم مسکوت ماند . اما روزنامه شرق در شماره ۳۰۱۵ خود بتاريخ دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶ در مطلبی با عنوان " انتقال آب ونک به باغات پسته رفسنجان " به این موضوع اشاره میکند که :

" در ۲۱ مرداد سال ۹۳، نامه‌ای با امضای رحیم میدانی، معاون وزیر نیرو در امور آب و

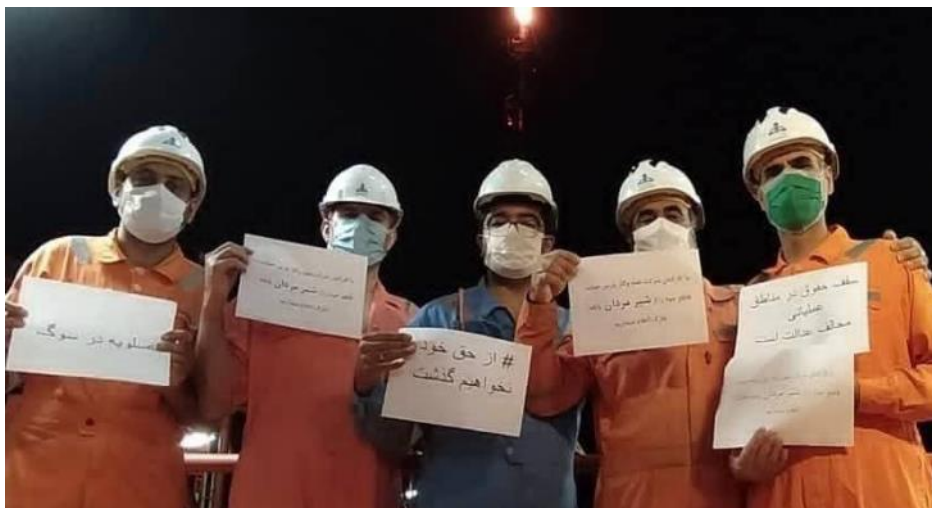
در جامعه ای که سود جویی ، ثروت اندوزی فردی و رقابت ، مبانی فعالیت های اقتصادی را تشکیل می دهد طبیعی است که از منابع طبیعی غیر قابل جایگزینی بشکل بی رويه بهره برداری می شود و محیط زیست تابع مطامع سرمایه داران و ثروت اندوزان می شود .

نابودی محیط زیست ضایعه ایست که سرمایه داری به ارمان آورده است . سوسیالیسم به آینده بشریت و سعادت نسل های آینده نظر دارد . با اجتماعی شدن تولید و مبادله ، امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی بوجود می آید .

تولید به شیوه ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند ، یکی از جنبه های تولید سوسیالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه های تولید سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری فدراتیو شورایی جدایی ناپذیر است .

" از برنامه جمهوری فدراتیو شورایی ایران "

اهمیت اعتصاب در مبارزات کارگران



ضرورت تشکل و حرکت یکپارچه از پیش شرط های پیروزی هر مبارزه ای است که طبقه کارگر در مصاف روزمره با طبقه سرمایه دار در آن درگیر است.

اعتصابات و اعتراضات کارگری در گذشته و در چند سال اخیر علیرغم تمامی دستاوردهای ریز و درشت خود و علیرغم تاثیرات آن در ارتقا سطح آگاهی طبقاتی کارگران اما از یک نقطه ضعف مهم رنج می برد نقطه ضعفی که امروز به گرهگاهی در مبارزات کارگران تبدیل شده است و آنهم فقدان تشکلهای مستقل توده ای کارگران می باشد. این ضعف در هر حرکت اعتراضی طبقه کارگر به عینه آشکار است.

باید یادآور شد که ضرورت سازمانیابی کارگران تنها از طریق نوشته ها در اطلاعیه و نشریات و یا تبلیغ و ترویج نمی تواند حاصل گردد بلکه در پراتیک انقلابی و در حرکت زنده و پویای مبارزه طبقاتی کسب می گردد. هنگامی که کارگران دست به اعتصاب می زنند و دست از کار می کشند آنجا قدرت خود را به آزمون می گذارند و هنگامی که سرمایه داران در مقابل چنین حرکتی ناگزیر می شوند که به خواسته های کارگران گردن بگذارند تاثیرات مبارزه متحد و متشکل را به عینه مشاهده می کنند.

به منافع طبقاتی خود و موقعیت مناسب برای تدارک اعتصاب می باشد. شکست یا پیروزی هر اعتصاب خود دستاوردهای گرانبهایی برای مبارزات آتی کارگران به همراه دارد. هر اعتصاب ممکن است به موفقیت کامل نینجامد و یا اینکه اهداف لحظه ای را برآورده نسازد. به همین خاطر هیچگاه نباید نسبت به این امر با دید مطلق نگریت و فقط منافع روزمره را در آن جستجو نمود بلکه باید منافع دراز مدت و نقشی که این اعتصابات در ارتقاء سطح آگاهی، تجربه و سازمان یابی و تشکل طبقه کارگر ایفا میکنند رانیز در نظر گرفت.

اعتصابات طبقه کارگر در طول مبارزات خود و تجاری که از شکست و پیروزی از آن کسب مینمایند و کاریست این تجارب در حرکت های آینده آنان نشانگر نقش و اهمیت اعتصاب برای رهائی طبقه کارگر از قید و بند سرمایه است. مهمترین تاثیرات اعتصابات حتی در شکل نا پایدار و ناموفق خود در ضرورت تشکل یابی کارگران در طول اعتصابات بوده است که کسب نموده اند. آنها در هر اعتصاب که بطور متحد و متشکل بخواسته اند و برای تحقق خواسته های خود چرخهای تولید را متوقف ساخته، میزان قدرت عظیم خود در مقابل زبونی و جبن سرمایه داران نمایش داده اند و به عینه دریافته اند که اگر متحد و یکپارچه بپاخیزند هیچ قدرتی یارای مقاومت در مقابل اراده مصمم آنها را ندارد.

ادامه از صفحه یک... تداوم و گسترش این شکل از مبارزه به خواستها و مطالبات کارگران مضمون سیاسی می دهد و نظام سرمایه داری را به ورطه سقوط سوق می دهد.

تجارب کلیه جنبشهای کارگری نشان می دهد که اعتصاب نظیر هر پدیده اجتماعی، از قانون مشخصی پیروی می کند و محصول روندی از مبارزات کارگران با کارفرمایان است که قابل تغییر می باشد و تنها یک شکل مشخصی به خود نمی گیرد بلکه دارای اشکال گوناگونی است و در هر مقطعی از حرکت کارگران و در مواجه با نظم سرمایه تغییر می یابد. گاهی شکل توده ای بخود می گیرد و در بعضی مواقع در اشکال پراکنده با خواسته های اقتصادی و سیاسی متفاوتی انجام می گیرد. این شکل از مبارزات کارگران هیچگاه از تداوم باز نمی ماند و بعنوان نیرومند ترین موتور حرکت انقلاب در جریان است.

شکل گیری اعتصابات کارگری در ابتدا نه از طریق عنصر آگاه بلکه توسط توده کارگران و در ادامه استثمار شدید بوده است که طبقه کارگر برای رهایی از چنین شرایطی در پروسه مبارزاتی خود بدان دست یافته است. از همین رو کلیه اعتصابات کارگری در آغاز مبارزات کارگری بصورت خود انگیخته صورت گرفته و شرط موفقیت آنها تنها در گرو آگاهی

راز تاریک محصولات آرایشی ارتباط آن با کار کودکان در معادن مایکا

نوشته شفاقی



لوازم آرایش یکی از صنایعی است که سریعترین رشد را در سراسر جهان داشته است. با اینهمه، اکثر مصرف کنندگان این محصولات از ارتباط "مایکا"، که یکی از متداولترین مواد تشکیل دهنده این محصولات است، با کار کودکان و بهره برداری از کودکان که آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند، بی اطلاعند. مایکا در محصولات چوب لاک ناخن، سایه چشم، رژ لب و گونه، و ریمل استفاده میشود و ۶۰٪ مایکای مرغوب دنیا از هند تامین میشود.

محرومیت و فقر در خانواده های این کودکان، آنان را به این محیط شاق کاری سوق میدهد. اگرچه، قوانین هند، کار در معادن یا استخراج مایکا را برای کودکان زیر ۱۴ سال منع کرده است ولی کودکان ۵ ساله هم در این معادن کار میکنند. در حال حاضر، ۲۰ هزار کودک در معادن غیر قانونی بسیاری، مشغول بکار هستند.

این صنایع با پروپاگاندای بورژوازی، مبنی بر اینکه محصولات آرایشی به زنان اعتماد بنفس می بخشد زنان بسیاری را به این باور متقاعد کرده اند که احساس قدرت و اعتماد بنفسی که با روایت های رایج از زیبایی و جاذبه زنانه تعریف شده است، میدان وسیعتری را برای

کار کودکان یک معضل جهانی است ولی در کشورهای در حال رشد به اشکال مختلفی لاپوشانی گشته و محیطهای کاری خطرناک، بی هیچ موانع قانونی ای هر ساله ۶ میلیون مصدومیت کاری را در بین کودکان موجب شده، که ۲.۵ میلیون از آنها به از کار افتادگی و ۳۲ هزار هم به مرگ و میر کودکان منجر میشوند. این کودکان در بخشهای تولیدی، کشاورزی، و معادن در شرایطی خطرناک کار میکنند و برای این کودکان تصادفات جدی قطع عضو و شکستگی، ۱۰٪ از کل آسیب های مربوط به کار را تشکیل میدهد. کودکان کار نه تنها در معرض آسیب جسمی و روحی هستند، بلکه در برابر سموم محل کار و خطرات شیمیایی هم قرار دارند. خطرات خاص نسبت به نوع کار و نوع صنعت کاری میتواند متفاوت باشد. کودکان کارگر ممکن است در معرض حرارت و یا دمای بالای هوا و حوادث ناشی از بریدگی و سوختگی قرار بگیرند.

در صنایع مد و محصولات آرایشی هم کار ارزان کودکان، میلیاردها دلار هر ساله به حساب سرمایه داران سرازیر میکند. با توجه به ارائه ترندها و محصولات جدید آرایشی در بازار- که مادام در حال تغییر است- صنعت

ادامه از صفحه اول
کار کودکان بدون هیچ نظارت و یا ممانعتی آشکارا و غیر قانونی همچنان ادامه دارد و سرمایه داری نه تنها کار کودکان را از بین نبرده است بلکه با اعمال سیاست گذارهای نئولیبرالی این لشکر "ارزانترین نیروی کار" را آسانتر در اختیار بازار کار گذاشته است. کار کودکان نه تنها کمتر بلکه افزایش یافته است و اهداف سازمانهای ان.جی.اوی که هم در رابطه با از بین بردن کار کودکان فعال هستند، عملا به بهبود سازی شرایط کاری و یا پایان دادن به محیط هایی که بدترین فضای کاری را برای کودکان دارند، محدود شده است. بیشترین تلاش این سازمانها نه زیر سؤال بردن سیاستها و سیستمی است، که با فقیر سازی گسترده، کودکان را در موقعیت اضطراری قرار داده و برای افزودن درآمد به خانواده هایشان اجبارا جذب اینگونه کارها و شرایط بسیار خطرناک کاری میشوند، بلکه جلب افکار عمومی برای متوقف کردن کار کودکان در بخشی از صنایع هستند که معمولا حتی اگر موفق به پایان دان آن شوند، کودکان دیگر یا همان کودکان اجبارا، در جایی دیگر با همان شرایط بکار گرفته میشوند.



در کوبا چه خبر است؟

گزارشی از بخش
انترناسیونال سازمان
اتحاد فدائیان
کمونیست

اقتصادی وسیعی گریبانگیر کوبا شد. کشورهای غرب بخصوص آلمان جدید و کشورهای همپیمان با آلمان، تمامی روابط اقتصادی خود را با کوبا قطع کردند و همزمان، بوش رئیس جمهور امریکای شمالی محاصره اقتصادی خود را بر علیه کوبا گسترش داد. امپریالیسم امریکای شمالی و متحدین آن در این دوره، روزشماری مرگ کوبا را همچون اروپای شرقی آنموقع را، در انتظار داشتند. در همان سال یعنی ۱۹۹۴ هزاران نفر تصمیم به خروج از کوبا گرفتند و فیدل کاسترو مرزها را به طرف امریکای شمالی باز کرد و اعلام نمود هر کسی که مایل است میتواند از کشور خارج شود. صدها نفر با قایقهای پلاستیکی و لاستیکی شروع به پارو زدن به طرف امریکای شمالی کردند که بعد از چند روز پلیس آبهای مرزی ایالات متحده، آنها را دستگیر کرده و شمار زیادی از آنها را دوباره به کوبا باز گرداند. امروز حدودا بعد از گذشت سی سال از این رویداد، حوصله امپریالیسم برای از هم فروپاشی حکومت کوبا از سر نرفته بلکه بدون اینکه اجازه سفر و اجازه معاملات اقتصادی برای کوبا را بدهد، با تشدید جنگ اقتصادی بر علیه کوبا و تشدید روز به روز آن، خواهان ماندن کوباییها در کوبا برای سقوط حکومت و فراخوان گسترش اعتراضات در این کشور را در دستور کار خود قرار داده است. این موضوع، ایجاد و حمایت

بعد از ظهر یکشنبه ۱۱ جولای در یکی از محلات هاوانا به نام سان آتونيو لوس بانيو، تظاهرات اعتراض آمیزی بخاطر شرایط اقتصادی سختی که بخصوص از طی یکسال ونیم اخیر در کوبا شکل گرفته است، صورت گرفت. از آغاز شروع ویروس کووید و اشاعه کرونا در دنیا، کوبا بخصوص حتی بیشتر از دیگر کشورهای دنیا دچار مشکلات اقتصادی وخیمی شده است. واردات و تولید ارزاق و مایحتاج ضروری مردم بشدت رو به کاهش و قیمت ارزاق به حد زیادی افزایش یافته است. همچون خیلی از کشورهای دنیا بخصوص کشورهای امریکای لاتین، حتی کشورهای اروپایی نیز سخت درگیر این بحران اقتصادی شده اند. پرتقال، اسپانیا نمونه های بارز آن هستند. اما کوبا بر خلاف گزارشهای خبرگزاریهای بین المللی که طی ساعتها و روزهای گذشته خبر از طغیان و اعتراضات سراسری در سراسر کوبا میزنند، درگیر بخش نارضایی جمعی ست که ضدید و مخالفتی با حکومت کوبا نداشته بلکه خواهان بهبود شرایط اقتصادی فعلی هستند. این دومین بار است که بعد از سال ۱۹۹۴ جمعی در یکی از محلات هاوانا دست به اعتراض زده اند. در سال ۱۹۹۴ در اوج سالهای "بحران اقتصادی ویژه" که به همین نام در کوبا معروف است که در سالهای فروپاشی شرق اروپا روی داد، بحران

آزادی زنان، از زاویه پرسپکتیو فمینیستی باز کرده است. در حالیکه، فقط صاحبان این صنایع را قدرت و ثروت بیشتری بخشیده است و زنان هم همچون کودکان کار، در پروسه ساز و کار تولید به مصرف به بردگی کشیده شده اند. در حالیکه جنبش جهانی دفاع از حق حیوانات توانسته است تا حدود زیادی برندهای معروف محصولات آرایشی را وادار کنند که در روند تولید، از حیوانات آزمایشگاههای آرایشی استفاده نکنند و این برندها با افتخار بر محصولاتشان مهر "هیچ حیوانی در پروسه تولید این محصول آزار ندیده است" بزنند ولی اذعان به اینکه در تولید این محصولات از کودکان استفاده شده است را، کاملا ایگنور کرده و حتی در موارد افشا شدن، خود را به اطلاعی محض میزنند. همین داستان در صنایع لباس و کفش و کیف هم صدق میکند. سرمایه داری از دستاوردهای زنان علیه خودشان استفاده میکند. فمینیسم هم بخشی از جنبش زنان بود که در مرحله مبارزه دستاوردهایی هم داشته است ولی مظاهر و نمادهایی که برای زنان مصداق برابری معرفی میکند همین بردگی های نوین بورژوازی ست که عرصه های جدیدی برای سودآوری سرمایه داران را فراهم کرده است. این صنایع براحتی از برچسب های فمینیستی برای فروش محصولات خود به زنان استفاده میکنند و از فمینیستها هم هیچ ندای مخالفتی بر نمیخیزد. فمینیسم اینجاست که کم میاورد، چرا که مشکلش سرمایه داری و استثمار نیست و نبوده. بایکوت کردن این برندها از طرف برخی زنان، شاید موثر باشد ولی قادر نیست به بردگی کودکان و به همان اعتبار به بردگی نوین زنان پایان دهد.

در داخل ایالات متحده و چه در خارج از امریکای شمالی برداشت. تمامی این شواهد در حالی ست که رسانه های عمومی که سخنگوی سیاستمداران و دولت‌های حاکم بر جوامع مختلف هستند، تاکنون گفتاری از نکات بالا نیآوردند و یا نمیآوردند. حتی گزارشی از این رسانه ها در رابطه با اینکه سازمان ملل متحد خواستار پایان دادن به محاصره اقتصادی بر علیه کوبا است، دیده نمیشود!

در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱ سازمان ملل متحد برای بیست و نهمین بار (۲۹) خواستار پایان دادن به محاصره اقتصادی ایالات متحده امریکا بر علیه کوبا شد! ۲۹ سال است که هر ساله سازمان ملل متحد با اکثریت آراء، رای برای پایان دادن به محاصره اقتصادی امریکای شمالی بر علیه کوبا میدهد! امسال نیز در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱ در نشستی که سازمان ملل متحد به‌همین منظور برگزار کرد، ۱۸۴ کشور با رای خود خواهان پایان دادن به محاصره اقتصادی ایالات متحده امریکا بر علیه کوبا شدند! تنها دو کشور ادامه محاصره اقتصادی بر علیه کوبا را خواستار بودند: ایالات متحده امریکا و اسرائیل! سه کشور نیز رای ممتنع دادند: برزیل، کلمبیا و اکرائین!

این شواهد دال بر دمکرات نبودن سیاست‌های رسانه های خبری بین المللی ست. حق تعیین سرنوشت خلق کوبا که بیش از ۶۲ سال است شکل گرفته و از انقلاب سرخ کوبا از سال ۱۹۵۹ تا به امروز سرسپرده هیچ امپریالیستی نشده است، خاری ست به چشم امپریالیستها و همپیمانان آن و رسانه های خبری آن! تا زمانیکه فیدل کاسترو زنده بود تمامی امپریالیستها اذهان می داشتند که تا زمانیکه این "دیکتاتور" زنده هست از هر گونه روابط عادی و روابط سیاسی-اقتصادی با کوبا پرهیز خواهند کرد. امروز دیاز کانل رئیس جمهور وقت کوبا که در زمان انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ هنوز به دنیا نیآمده بود، خار دیگری ست بر چشم این حکومتداران و سخنگوهای آنان! طبق خبرهای بدست آمده

ترامپ در "انتخابات" نوامبر ۲۰۲۰ قوانینی تصویب شد که حتی کشورهای سومی اجازه معاملات اقتصادی با کوبا را ندارند. حتی ارسال قطعات پزشکی و صادر کردن مواد دارویی به کوبا چه از طریق امریکای شمالی و یا کشورهای سوم ممنوع اعلام شده است. برای مثال دولت سوئد نزدیک به دو سال است که ارسال قطعات پزشکی را به کوبا ممنوع کرده است. در تاریخ اوت ۲۰۲۰ شرکت توریستی اسپانیایی "ایبه ریا" که در هتل سازی و ارسال میلیونها توریست به کوبا فعالیت داشت و سالها معاملات اقتصادی با کوبا در پیش گرفته بود مورد تهدید و مجازات میلیونها دلار شد و این امر به آنجا کشیده شد که با دستور ترامپ "ایبه ریا" تمامی هتل‌های خود را در کوبا به تعطیل کشاند و مسافرت‌ها با شیوع کرونا نیز کاهش یافت. تمامی بانک‌های اروپایی که در دست دست بانک بین المللی دارند حتی بانک‌های نیمه دولتی اروپایی همچون بانک پست تمامی همکاری‌های ارزی و ارسال ارز به کوبا را بخاطر ترس و وحشت از تهدیدهای ایالات متحده قطع کردند. در ژانویه ۲۰۲۱ ایالات متحده امریکا، کوبا را در لیست کشورهای تروریستی قرار داد. تمامی ارتباطات هنری، ورزشی، تحصیلی و آموزشی، تبادلات دانشگاهی، ارسال ارز از طرف خانواده های کوبایی مقیم ایالات متحده به اقوام خود در کوبا و مسافرت‌های خانواده گی و توریستی، یکجانبه از طرف امریکای شمالی فسخ شده است. قراردادهای و پیمان‌هایی که از زمان دولت اوپاما به اجرا درآورده شده بود، شامل این پیمانها میباشد. در کنار این جنگ اقتصادی غیرانسانی که روز به روز افزایش یافته است، خصوصا دوره پانامی کرونا وضعیت اقتصادی جامعه کوبا را به سختی کشانده است. در کنار تمامی حیل‌های امپریالیسم، در ماه سپتامبر ۲۰۲۰ دولت ترامپ با اهدا ۲۰ میلیون دلار به اپوزیسیون کوبایی ها در میامی برای گسترش رسانه های خبری بر علیه کوبا قدم‌های دیگری را برای تقویت وابسته ها و مزدوران خود، چه

از نارضایتی ها در داخل، استراتژی حکومت امریکای شمالی ست که در حال حاضر به همراه دیگر تاکتیک‌های جنگی که در خورجین خود برای موقع مبادا در دست دارد و از ۶۲ سال پیش، از آغاز انقلاب کوبا تا به امروز بر علیه کوبا در پیش گرفته است. امروز در تاریخ ۱۳ ماه جولای نیابت وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا اعلام نمود: " کوبایها بدانند که ما حامی آنها هستیم. به تظاهرات خود ادامه دهید و دست از هرگونه تظاهرات نامسلات آمیز بپرهیزید. ایالات متحده امریکا هیچگونه دخالتی در اعتراضات داخل کوبا ندارد...".

بیش از ۶۰ سال است که امپریالیسم امریکا در انتظار شورش داخلی و "جنگ داخلی" در کوبا ست. بدون هیچ تاملی در صورتیکه به تصور ایالات متحده امریکا، شورشی در داخل کوبا رخ دهد، برنامه اشغال نظامی کوبا در دستور کار این امپریالیسم است. با احتیاط این موضوع که ایالات متحده کاملا به این موضوع آگاه است که براحتی نمیتواند دست به اشغال نظامی کوبا بزند! اشغال جمهوری پرتوریک در کارئیب در دهه هشتاد و اشغال هائیتی در دهه نود توسط نیروهای نظامی امریکای شمالی و اخیرا کشتن رئیس جمهور هائیتی توسط مزدوران کلمبیایی نمونه های واضحی ست که همچنان زنده هستند.

اعتراضات روز یکشنبه ۱۱ جولای در محله سان آنتونیو لوس بانیو در حالی صورت میگیرد که مردم دچار مشکلات اقتصادی وخیمی در کوبا شده اند. همزمان با این اعتراضات در هاوانا، ۲۴ ساعته رسانه های وابسته به کوبایی - امریکای های ساکن میامی در ایالت فلوریدا از طریق رادیوها و تلویزیون‌های حمایت شده از طرف حزب جمهوری خواهان و حزب دمکرات‌ها فراخوان شورش و تظاهرات را در کوبا میدهند. این در حالی ست که از زمان به روی کار آمدن بایدن در ایالات متحده امریکا نه تنها جنگ اقتصادی بر علیه کوبا کاهش نیافته، بلکه افزایش یافته است! ۲ سال قبل از شکست

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در کوبا چه خبر است؟

خیزش تشنگان بخون کشیده شد!!!

از شامگاه پنج شنبه ۲۴ تیر، خیزش مردم و جوانان خوزستان در اعتراض به مشکل بی آبی و قطع برق شهرهای اهواز، آبادان، سوسنگرد، حمیدیه، شادگان، ملاتانی، قلعه چغان، ماهشهر، خرمشهر، بستان، کوت عبدالله و برخی دیگر از شهرها را فرا گرفته است. توده های به ستوه آمده دست به تظاهرات خیابانی زده و در بسیاری از مناطق و خیابانها با آتش زدن لاستیک، اقدام به راهبندان و مسدود ساختن جادهها کرده اند.

پاسخ نیروهای سرکوب رژیم به مردمی که از کمبود آب شدیداً رنج میبرند و دامها و کشت و زرع آنان نابود میشود با گلوله بوده است و به جای آب، اعتراضات آنها را به خون کشیده است. مقامات دولتی چه در سطح استان چه فراتر از آن، نه فقط هیچگونه اقدامی برای رفع این کمبودها و نارساییها انجام ندادند، بلکه نیروهای مزدور گارد ویژه را برای سرکوب اعتراضکنندگان وارد عمل ساختند و پاسخ مردمی را با گاز اشکآور و شلیک گلوله هوایی و سرانجام شلیک به روی اعتراضکنندگان داده اند. بر اساس آخرین گزارشها تاکنون چهار جوان معترض به نام های "قاسم حمید بازم الناصری" در کوی کانتکس اهواز، "علی مزرعه" در منطقی کوی زویه، "مصطفی نعیمای" اهل شادگان و "حسین آل ناصر" از اهالی سوسنگرد با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی کشته شده اند.

رژیم جمهوری اسلامی که در بحرانی همه جانبه بسر می برد در وحشت از گسترش اعتراضات خیابانی و تظاهرات توده های، حتی اعتراض مسالمتآمیز توده های مردم تشنه و متقاضی آب را نیز با گلوله پاسخ میدهد. کارگران و توده های مردم زحمتکش ایران با گسترش اعتصابات و اعتراضات خیابانی و تظاهرات توده های باید عرصه را بر این رژیم جنایتکار تنگتر کنند و به حاکمیت ننگین و جنایتکارانه آن پایان دهند و به سوی گزینه شورایی کارگری خود گام بردارند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تعرض وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم را به مردم حق طلب خوزستان به شدت محکوم می کند و پشتیبانی بی دریغ خود را از مطالبات بر حق این اعتصابات و خیزش های مردمی اعلام میدارد و از همه انسان های کمونیست و آزادیخواه و فعالین جنبش کارگری دعوت می کند که صدای حق طلبانه کارگران اعتصابی در صنعت نفت و پتروشیمی و هفت تپه و توده های مردم بیخاسته خوزستان را رساتر سازند.

زنده باد مبارزات حق طلبانه کارگران و مردم بیخاسته
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۲۷ تیرماه ۱۴۰۰ برابر با ۱۸ ژوئن ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

چه در داخل کوبا و چه در خارج از کوبا در بین تبلیغات "اپوزیسیونهای" رنگارنگ کوبایی که بیشتر آنها در فلوریدا و میامی سکونت دارند، بخشی از آنان همچنان خود را آشکارا (و گاه محتاطانه) فیدلیست میدانند و عامل وضعیت وخیم اقتصادی کنونی را رئیس جمهور فعلی کوبا دیاز کانل می بینند و با زیرکی قدمهای اعتراضی خود را بدون اینکه اعتراض به حکومت و سیستم کوبا را داشته باشند، با خبرها و گزارشات پخش شده از میامی هماهنگ میکنند. این جمع هیچگاه و هیچ زمانی حتی یکبار هم صحبت از پایان دادن به جنگ اقتصادی بر علیه کشورشان را به میان نیاورده اند! با بعضی از آنها که در خارج بسر می برند با مناظراتی که با آنها داشتیم، اینان حتی خواهان تشدید شدن جنگ اقتصادی بر علیه کشورشان هستند بدون اینکه دلایل و مباحث آزموده و روشنی را ارائه دهند.

بر علیه این همه تناقضات رسانه ها بر علیه کوبا، بر علیه این همه سیاستها و جنگ اقتصادی غیرانسانی بر علیه این کشور و بر علیه تمامی حلیه های امپریالیسم برعلیه خلق کوبا، در روز چهارشنبه ۱۴ جولای در کوبا و در خارج از کوبا در مقابل سفارتخانه های این کشور در اروپا و کشورهای مختلف، تظاهرات همبستگی برای کوبا برگزار خواهد شد!

گزارش از بخش انترناسیونال سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۳ جولای ۲۰۲۱

را مورد بهره کشی قرار میدهند و از قبل استثمار آنها بر ثروت خود میافزایند.

در نظام سرمایه داری مالکیت خصوصی سرمایه داران و صاحبان ثروت وسیله بهره کشی و استثمار کارگران و زحمتکشانی است که ظاهراً آزادند تا نیروی کار خود را به هر کس و در هر کجا که لازم بود بفروشند. اینها در کارخانه ها، بندار، معادن، زمین ها، حمل و نقل، و سایر مراکز تولید و توزیع مشغول به کارند. کارکارگر مزد بگیر علاوه بر تامین نیروی کار او که بصورت دستمزد دریافت میکند ارزش بیشتری ایجاد میکند که به رایگان بصورت سود به سرمایه دار میرسد. این قسمت را ارزش اضافی میگویند که اساس استثمار طبقه کارگر و افزایش ثروت سرمایه داران را موجب میشود. البته دولت نیز حافظ این مناسبات و پاسدار این شیوه تولید سرمایه داری است.

وقتی کارگر نیروی کارش را با ساعات معین در مقابل دریافت مبلغی به کارفرما میفروشد. در این معامله سرمایه دار سعی میکند درازای بخدمت گرفتن نیروی کارکارگر مبلغ کمتری بپردازد و کارگر نیز بر آن است تا نیروی کارش را به قیمت بیشتری بفروشد. این مبارزه در محیط کار نیز ادامه دارد چراکه سرمایه داران اگر هم نتوانند سطح حقوقها را پائین بیاورند تلاش میکنند از طریق تشدید استثمار، پائین نگهداشتن استانداردهای بهداشت و ایمنی محیط کار و خلاصه کلام با توسل به انواع و اقسام حيله و نیرنگ باتحت فشار قرار دادن نیروی کار به سود سرمایه خود بیافزایند. و بویژه در زمانها بحرانی این فشارها و حمله به دستمزدها و دست آوردهای کارگران صد چندان میشود. این پروسه همان مبارزه طبقاتی است که باشکال مختلف میان طبقه استثمارگر و استثمارشونده وجود دارد و مظهر تضاد کار و سرمایه و خصلت آشتی ناپذیری این دو طبقه اصلی نظام تولید سرمایه داری است.

پاسخ به چند پرسش درباره اعتصاب

جواب: سلاح اعتصاب در مبارزات کارگران علیه سرمایه داران و دولت نقش بسیار مهم و حیاتی بازی میکند و برعکس دیگر اقدار اجتماعی که ممکن است در مرحله ای از مبارزات شان دست به اعتصاب بزنند اما از زمان گذار جامعه بشری به نظام سرمایه داری و کالا شدن نیروی کار سلاح اعتصاب همواره از ابزارهای دست کارگران در مبارزات روزمره علیه سرمایه بوده است و برخلاف قشرهای اجتماعی دیگر اعتصاب کارگری به نسبت ابعاد و زمان آن کارکرد کل جامعه و سوخت و ساز آن را تحت تاثیر قرار میدهد و در صورت گسترش آن، میتواند تمام چرخهای تولید و مبادله را متوقف و قدرت سیاسی را فلج و زمینه سقوط آنرا فراهم مینماید.

درک علت قدرت و نقش و اهمیت اعتصاب کارگری ساده است و همینطور درک علت بروز اعتصابات کارگری در این و یا آن واحد تولیدی و یا در واحدهای متعدد تولیدی و سرانجام بصورت سراسری امر پیچیده و غیر قابل فهم نیست.

باین دلیل روشن و علمی که مناسبات سرمایه داری بر اساس استثمار نیروی کار بنا شده است. به عبارت دیگر؛ محرکه تولید سرمایه داری ارزش اضافه است. یعنی تصاحب کار اضافی. و اغلب اوقات مثل ایران بخشی از کار لازم هم که برای باز تولید نیروی کار کارگر ضروری است، توسط کسانی که صاحب سرمایه و مالک خصوصی ابزار تولید هستند، تصاحب میشود.

استثمار ویژه همه جوامعی است که طبقات متخاصم در آن وجود دارند افراد طبقه ای که صاحب ابزار تولید است افراد دیگر آن جامعه

اعتصاب چیست؟

اعتصاب ابزار و یا شکل و وسیله ای از مبارزه است که اقدار مختلف اجتماعی برای اعتراض به امری و یا بکرسی نشاندن خواست و مطالبه اشان از فرد و یا گروه اجتماعی و سیاسی دیگر، بکار میگیرند.

سوال: معمولا چه قشرها و طبقاتی از مردم در مبارزه برای بکرسی نشاندن اهداف و مطالبات شان به وسیله اعتصاب متوصل میشوند؟

ج: در استفاده از وسیله اعتصاب بین توده های مردم مرز روشنی وجود ندارد ولی وضعیت فاعل اعتصاب و جایگاه اجتماعی آن و نیز تاثیری که بر طرف مقابل در هیئت کارفرما، دولت، رئیس و غیره میگذارد باهم تفاوت دارند. بطور مثال، اعتصاب کارگران، اعتصاب زندانیان، اعتصاب بازار، اعتصاب کشاورزان، اعتصاب کارمندان، معلمین، پرستاران، دانشجویان و غیره همه اینها در شرایط معینی از سلاح اعتصاب در پیشبرد مبارزه شان استفاده میکنند و حتی یک فرد هم با نخوردن غذا اعتصاب میکند و میگویند دست به اعتصاب غذا زده است. پس اعتصاب تنها مختص کارگران نیست هر قشر دیگر نیز چه بصورت صنفی و جمعی و چه بصورت فردی برای اعتراض به ظلم و ستم و یا موارد دیگری در نهایت به ابزار اعتصاب متوسل میشود تا هم صدای خود را بگوش دیگران و جامعه و هم طبقه و یا هم صنف های خود برساند و پشتیبانی آنها را جذب بکند و هم طرف مقابل را تحت فشار افکار عمومی قرار دهد...

سؤال: اعتصاب در مبارزات کارگران از چه جایگاهی برخوردار است؟

و در اینجا است که کارگران در مقابله با قدرت اقتصادی و سیاسی سرمایه دارن به اشکال مختلف مبارزه دست میزنند که یکی از مهمترین آنها **اعتصاب** است.

اعتصاب مهمترین و قدرتمندترین ابزار است که کارگران با توسل به آن چرخهای یک رشته و یا مجموعه ای ازشته های تولید و توزیع را میخوابانند و این برای سرمایه داران و دولت حامی آنها قابل پذیرش نیست چرا که شریان اصلی سود سرمایه را مختل و یا قطع میکند. در واقع شکلی آشکار از رودروئی دو طبقه متضاد اجتماعی است که در **اعتصابات** کارگری نمود بارزی مییابد. از این رو **اعتصاب** نه تنها برنده ترین حربه طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه دار است بلکه همچنین مکتبی است که در آن کارگران به قدرت جمعی خود واقف میشوند و سطح آگاهی طبقاتی و سازمانیابی خود را بالا میبرند و ..

سوال: اشکال اعتصابات چگونه است

جواب: اشکال و سطوح **اعتصابات** کارگری بسته به موقعیت واحد تولیدی، سطح مطالبات، میزان تشکل و سطح همبستگی و روند مبارزه کارگران فرق میکند و کارگران هر واحد و یا رشته ای از تولید و یا توزیع و خدمات و غیره در مبارزه برای بدست آوردن خواستههایشان مراحل متعدد و راه های قانونی و غیر قانونی را طی میکنند تا سرانجام تصمیم میگیرند دست به اعتصاب بزنند.

مثلا از درخواستهای کتبی تا مراجعه جمعی، تشکیل مجامع عمومی و انتخاب نماینده جهت مذاکره با کارفرماها، تا تحصن و راهپیمائی خلاصه کلام وقتی اقدامات متعدد کارگران یک واحد تولیدی برای احقاق حقوقشان و یا تحقق مطالبات شان به نتیجه نرسد بتدریج **اعتصاب** بعنوان تنها راه مورد قبول همه کارگران قرار میگیرد چرا که بدون خواست و توافق کلیه کارگران و یا اکثریتی از

آنها دست زدن به اعتصاب، در صورتیکه ممکن هم بوده باشد اما به نتیجه مطلوب نمیرسد.

در کشورهاییکه اتحادیه ها و سندیکاهای رسمیت دارند معمولاً اعتصاب تحت مقررات و ضوابطی مجاز دانسته شده است. به آن اعتصاب قانونی اطلاق میکنند که بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات سران اتحادیه ها با رهبران اتحادیه های سرمایه داران، اعتصاب از طریق اتحادیه ها و یا سندیکاهای فراخوان داده میشود. در غیر اینصورت، یعنی خارج از تصمیمات اتحادیه ها اگر کارگران یک کارخانه ای دست به اعتصاب بزنند آنرا "اعتصاب وحشی" نام نهادند و غیر قانونی می شمارند. اما در کشورهای نظیر ایران که کارگران اساساً از حق تشکل مستقل سندیکائی و غیره برخوردار نیستند و شدت استعمار شدید و کارفرماها فعال مایشاء هستند، کارگران بعد از ناامیدی از اقدامات دیگر و زمانیکه کارد به استخوانشان میرسد به وسیله اعتصاب متوسل میشوند.

پرسش: آیا اعتصابات اشکال مختلفی دارد؟

جواب: اعتصابات نیز نسبت به وضعیت محیط کار و نتیجه مذاکرات که آنهم به توازن قوا بین سرمایه داران و کارگران برمیگردد، اشکال مختلفی بخود میگیرد. مثل حضور در محل کار در عین حال امتناع از کار کردن. این نوع اعتصاب عمدتاً زمانی صورت میگیرد که این امکان وجود داشته باشد که کارفرما در غیاب کارگران اعتصابی از طریق آوردن اعتصاب شکن ها و استخدام مجدد نیروی بیکار آماده کار، کارخانه را راه اندازی بکند. و یا با نقشه قبلی مترصد این باشد که تجهیزات را به کارخانه جدید منتقل بکند و به این بهانه کارگران را اخراج و با تعداد کمتری کارگرمهر کارخانه را راه بیاندازد.

اعتصاب تظاهراتی

اعتصاب تظاهراتی زمانی در دستور قرار میگیرد که اقدامات و اعتصابات اولیه، مثل تعطیل کار و یا نشستن در محل کار جواب نداده باشد و یا اعتصاب و تجمع کارگران با حمله نیروهای امنیتی و سرکب مواجه شده باشد و یا اینکه باتوجه به رکود بازار توقف موقت تولید به نفع کارفرما بوده باشد و بخواهد کارگران اعتصابی را به حال خودرها سازد و یا در موارد زیادی در ایران بوده است که سرمایه داران از اعتصاب کارگران به نفع خود استفاده میکنند و سعی میکنند در این فاصله دولت و بانکها را برای گرفتن وام و سوبساید های مختلف تحت فشار قرار دهند. در صورتیکه به بهانه رکود بازار و غیره بدون پرداخت دستمزد و سایر مطالبات کارگران آنها را به حال خود رها میکنند. در این مواقع کارگران سعی میکنند با تظاهرات در شهرها که عمدتاً با همراهی خانواده ها توأم است افکار عمومی را نسبت به وضعیت خود و مطالباتی که دارند جلب بکنند و دولت و کارفرما را مجبور به پاسخگویی بنمایند.

اشکال دیگر اعتصاب از جمله اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی سیاسی معمولاً در شرایط بحران انقلابی بوقوع میپیوندد که در اینجا مورد بحث ما نیست اما همانطور که از نام اش معلوم است در اعتصاب عمومی سیاسی علاوه بر کارگران، بخشهای دیگر جامعه نیز دست از کار و فعالیت برمیدارند و به اعتصابات میپیوندند. در اعتصاب عمومی طبقه کارگر بمثابه قدرتمندترین، پرشمارترین و منسجم ترین طبقه، همواره بر سایر اقشار اجتماعی اعمال هژمونی میکند و با گسرس اعتصاب تمام چرخهای اقتصادی را متوقف و از این طریق مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی وارد مرحله اساسی میشود.

یدی شیشوانی

بمناسبت چهل و پنجمین سالگرد جانباختن حمید اشرف، کمونیست برجسته، از رهبران جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان

«بگذار باغ خون

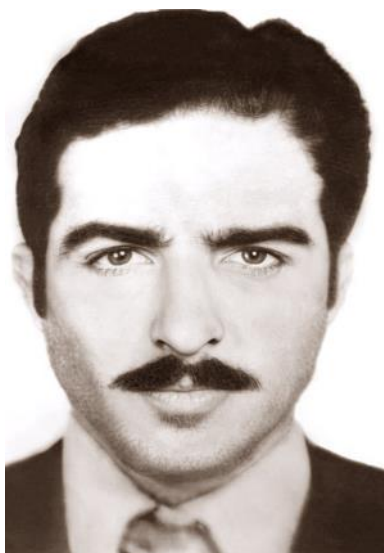
بر خاک تیرباران

پرپر شود

بگذار بذر "تیر"

چون جنگلی بروید در

آفتاب خون



حمید اشرف پدیده اجتماعی نوینی که در تاریخ ایران بی سابقه بود ظاهر شد، و آن، استقبال زنان از راه فدائی بود که موج وار، از خط ومشی سازمان پیروی کردند و به آن پیوستند، رفیق حمید اشرف با درک این واقعیت اجتماعی که بدون شرکت زنان هیچ جنبش انقلابی به پیروزی نخواهد رسید، فضائی رادرسازمان گشود که زنان کمونیست ودلاور زیادی در آن به مبارزه برای رهائی تاپای جان ایستادند، رشد کردند، تا سطح رهبری سازمان ارتقاء یافتند و در مبارزه طبقاتی وتحولات تاریخی جامعه جایگاه مهمی بدست آوردند.

حمید اشرف بعنوان یک مارکسیست، لنینیست باورداشت که انقلاب کارتوده هاست و به رسالت طبقه کارگردمبارزه علیه سرمایه داری واستقرار سوسیالیسم ایمان راسخ داشت. او هدف مبارزه مسلحانه را برای درهم شکستن قدرت بظاهر شکست ناپذیر سیستم حاکم با هدف پایان دادن به جورکود وسکوت وترس وبی عملی و سرانجام، کشاندن توده ها به عرصه مبارزه می دانست، امری که بعد از هشت سال از آغاز مبارزه مسلحانه در قیام توده های مردم در سال ۵۷ تلبوری عینی یافت.

حسینی در نبرد خونین و حماسه وار دلاورانه جان باختن.

حمید اشرف رهبری سازمانده، مبلغ ومروج وانقلابی، شجاع ومصمم، سازش ناپذیر، ومنضبط و در عین حال فروتن و مهربان، نقاد ونقد پذیر بود و مدام راه پیموده شده را با روش انتقادی بررسی می کرد تا از تکرار اشتباهات جلوگیری شود. او به واسطه چابکی، زیرکی و هوش سرشارش چریک افسانه ای لقب داده بودند، او کابوس شبان و روزهای دستگاه ارتجاع و ستم روز شده بود، و خواب خوش را از چشمان شاه و مزدورانش گرفته بود. او با قدرت تحلیل شرایط مشخص وتوان سازماندهی و ادامه کار تشکیلات و با اتش سلاح خود بارها و بارها نقشه های دستگاه حاکم را برای دستگیری اش نقش بر آب کرده بود.

حمید اشرف نقش مهمی در آغاز جنبش نوین کمونیستی ایران و پیشبرد امر وحدت دو گروه پیشگام اصلی معروف به گروه جزئی-ظریفی واحمدزاده- پویان، داشت، که بعد از حماسه سیاهکل وضربات متعاقب آن با تلاش بی وقفه ی حمید اشرف به سرانجام رسید. واز آن پس نیز، در ادامه کاری سازمان ورشد وگسترش آن در میان اقشار پیشرو وسوسیالیست جامعه، رفیق حمید اشرف نقش بی بدیلی بازی کرد. در زمان رهبری

در تیرماه ۱۳۵۵ سازمان امنیت رژیم شاه موفق شد ضربه سنگینی به سازمان چریکهای فدائی خلق بمثابه سازمان پیشگام کارگری وارد سازد، سازمانی که با آتش سلاح وفداکاریهای بی نظیر زیباترین فرزندان آفتاب و باد، موانع سرراه گسترش مبارزه را از پیش پای توده های کار و زحمت بردارد و آنها را بقدرت لایزال خود آگاه سازد.

در سه شنبه ای سیاه به تاریخ ۸ تیر ماه سال ۱۳۵۵ حمید اشرف که در طی چندین سال مبارزه بی امان خود در سنگرهای مبارزه طبقاتی بیش از ۱۴ بار حلقه محاصره و کمین پلیس و ساواک رژیم را با هوشیاری بی نظیر خویش و با نبرد قهرمانانه خویش درهم شکسته بود، به همراه ۱۰ تن از یاران و همراهانش رفقا: محمد رضا یثربی، غلامرضا لایق مهربانی، غلامعلی خراط پور، محمد مهدی فوقانی، عسگر حسینی ابرده، علی اکبر وزیری، محمد حسین حق نواز، طاهره خرم، یوسف قانع خشکه بیجاری و فاطمه

بمناسبت چهل و پنجمین سالگرد جانباختن حمید اشرف....

... اعتقاد عمیق به سوسیالیسم، پی گیر و خستگی ناپذیر در مبارزه، درس آموزی از شکستها، عدم وابستگی به دولتهای خارجی، نقدپذیری، وحدت طلبی و تلاش در جهت وحدت حزبی و اتحاد حول جبهه انقلابی در برخورد با سازمانهای دیگر و جنبشهای انقلابی، از جمله خصایص و تفکرات حمید اشرف بود. این روشها در سازمان تکامل یافت و امروز نیز در انطباق با شرایط مشخص کاربرد و ضرورتی دوچندان دارند. گفتن ندارد که ضربه ۵۵ و جانباختن رهبری سازمان و درراس آنها، رفیق حمید اشرف سازمان را در انجام رسالت خود آنگاه که جنبش توده ای شد بازداشت و امروز در چهل و پنجمین سالگرد جان باختن رهبران سازمان در ۸ تیرماه ۱۳۵۵، از تجربیات گرانبهائی آنها درس می گیریم. با ایمان و امید به آینده پوینده و پیشرو با اراده ای گولادین در راه آزادی و سوسیالیسم گام برمیداریم و برافراشته نگه می داریم پرچمی را که باخون آنها و هزاران کمونیست رنگین شده است.

حزب یک نیروی انتقادی

(از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست)

وظیفه کمونیستها تنها فورموله کردن تئوری انقلاب ایران نیست، بلکه تئوریزه کردن ساختمان آن حزب انقلابی است که وظیفه دارد پیوند تئوری و پراتیک را عملی و رهبری این انقلاب را عهده دار گردد. بنابراین اهمیت این تئوری در آن خواهد بود که نقطه آغازش بر جمع بندی انتقادی پراتیک گذشته بمنظور فائق آمدن بر موانع راه آینده این پیروزی استوار باشد.

ما کمونیستهای فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن، همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می توان ساختمان حزب، برنامه، اساسنامه، سبک کار، استراتژی و را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی، از بحراناها و از شکستها و پیروزیهای جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نوسازی کنیم. بنابراین بازنگری به گذشته را بمثابة چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می شماریم.

برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را بخوانید و نظرات و پرسش هایتان را با ما در میان بگذارید.

<http://fedayi.org/magazine/barnameh/barnameh.pdf>

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در انبوت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل ادرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید:

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !